

آهوی رم کرده

نالہ بیاد وطن، صبح و آسء میکنم
خون جگر میخورم، نغمه سرا میکنم
بهر نجات وطن، از همه این مشکلات
از سر شب تا سحر، رو به خدا میکنم
بر در آن کبریا، از ره صدق و صفا
عقده و غم های دل، یکسره وامیکنم
بهر شفاء وطن، از همه رنج و مَحَن
چاره ندارم دگر، عرضه دعا میکنم

مرغ شکسته پرّم، قدرت پروا زنیست
دل به هوای وطن، داده نوا میکنم
گربه گلستان روم، بهر تماشای گل
یاد گل ارغوان، خواهه صفاء میکنم
آهوی رم کرده ام، تیر جفاء خورده ام
درد دل ریش خود، از تود واء میکنم
حیدری گر آخرت، از غم و درد وطن
حصر شود چاره ات، صبر خدا میکنم

۱۴ جون، ۲۰۰۵، سدنی